جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer 2022, 16(30), P:285-314

The Origin of Gender Differences (Feminine and Masculine Acting) of Social Roles from the Perspective of the Holy Quran*

Mahmoud Sadiqi [1]

Hasan Khairi [2]

Mehdi Rostamnejad [3]

Abstract

The issue of the origin of gender differences in social roles has always been discussed by thinkers and researchers, especially in sociology. By confirming gender differences, some link the different patterns of female and male roles with biological, and psychological aspects and the functions of role differences among sociologists. On the other hand, almost all feminist theories follow the common principle that femininity and masculinity and the gender roles that result from them make society, with defects in the foundations and results of these theories. Re-reading these opinions and other numerous and diverse viewpoints in the context of gender differences in social roles and their origins on the one hand and the importance and position of the Quran as an authentic source of knowledge makes the question come to mind that despite the division of labor Gender, what is the view of the Holy Quran about the origin of gender differences in social roles? Based on the inferential method, the present research seeks to discover and explain the true origin of female behavior and male behavior or femininity and masculinity (gender) from the perspective of the Quran. The evidence shows that the Quran's view of the problem is a unified view so that in a comprehensive view of communication, biological aspects such as anatomical differences and physical strength, psychological aspects such as the amount and type of emotions and feelings, and personality characteristics such as will And it considers decision-making and sociological angles based on natural and ultimate aspects such as justice, peace and chastity.

Keywords: Origin of Gender Differences, Social Role, Gender Differences of Social Roles

---

*. **Date of receiving:** 28 March 2022, **Date of approval:** 30 May 2022.

1. Ph.D. (Specialization), Quran and Hadith Higher Educational Center, Al-Mustafa University, [Corresponding Author]; (yousefali1020@yahoo.com).

2. Assistant Professor, Islamic Azad University; (hassan.khairi@gmail.com).

3. Associate Professor and Faculty Member of Al-Mustafa University; (m-rostamnejad1946@gmaile.com).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer 2022, 16(30), P:285-314

مقاله علمی ـ پژوهشی

خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم*

محمود صادقی[۱] و حسن خیری[۲] و مهدی رستم‌نژاد[۳]

چکیده

موضوع خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی، همواره مورد بحث اندیشمندان و پژوهشگران خصوصاً در جامعه‌شناسی بوده است. برخی با تأیید تفاوت‌های جنسیتی، الگوهای متفاوت نقشی زنانه و مردانه را با جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و کارکردهای تفاوت‌های نقشی نزد جامعه‌شناسان پیوند می‌زنند. درمقابل، تقریباً همه نظریه‌های فمینیستی با خدشه در مبانی و نتایج این نظریه‌ها، از این اصل مشترک پیروی می‌کنند که زنانگی و مردانگی و نقش‌های جنسیتی ناشی از آنها را جامعه می‌سازد. بازخوانی این نظرات و دیگر دیدگاه‌های متعدد و گوناگون در زمینه تفاوت‌های جنسیتی نقش‌های اجتماعی و منشأ آنها از یک‌سو و اهمیت و جایگاه قرآن به‌عنوان منبع اصیل معرفتی باعث می‌شود تا این سؤال به ذهن برسد که با وجود تقسیم کار جنسیتی، دیدگاه قرآن کریم درباره خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی نقش‌های اجتماعی چیست؟ پژوهش حاضر بر مبنای روش استنطاقی درصدد کشف و تبیین خاستگاه حقیقی رفتار زنانه و رفتار مردانه یا انوثیت و رجولیت (جنسیت) از دیدگاه قرآن است. شواهد نشان می‌دهد نگاه قرآن به مسئله نگاهی تلفیقی است، به‌طوری که در یک نگاه جامع ارتباطی، جنبه‌های زیست‌شناختی همچون تفاوت‌های آناتومیکی و قدرت بدنی، روان‌شناختی مانند میزان و نوع عواطف و احساسات و ویژگی‌های شخصیتی مانند اراده و تصمیم‌گیری و زوایای جامعه‌شناختیِ مبتنی بر جنبه‌های طبیعی و غائی همچون عدالت، آرامش و عفت‌مندی را مدنظر دارد.

واژگان کلیدی: خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی، نقش اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی نقش‌های اجتماعی

---

*. **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۰/۱۱/۰۸ و **تاریخ تأیید:** ۱۴۰۱/۰۳/۰۹.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی ص العالمیة [نویسنده مسئول]؛ (yousefali1020@yahoo.com).
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی؛ (hassan.khairi@gmail.com).
۳. دانشیار و هیئت علمی جامعة المصطفی ص العالمیة؛ (m-rostamnejad1946@gmaile.com).

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
محمود صادقی و همکاران

الف. مقدمه

موضوع تفاوت‌های مختلف جسمی و فیزیولوژیک که عموماً از آن به جنس تعبیر می‌شود و نیز موضوع انوثیت و رجولیت یا زنانگی و مردانگی یا به عبارت دیگر رفتار زنانه (زنانه عمل کردن) و رفتار مردانه (مردانه عمل کردن) عرصه‌های مختلف زندگی بشر را همواره تحت تأثیر عمیق خویش قرار داده است. در این میان دیدگاه‌های مختلفی درباره خاستگاه و سطح تعیین اجتماعی تفاوت‌های جنسی و جنسیتی و نیز میزان ضرورت تسری و اهمیت توجه و وارد کردن آن در مناسبات اجتماعی مطرح شده است. به‌طور مشخص تقریباً همه نظریه‌های فمینیستی از این اصل مشترک پیروی می‌کنند که زنانگی و مردانگی و نقش‌های جنسیتی ناشی از آنها را جامعه می‌سازد (رودز، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ۱۳۹۲: ۳٤).

هرچند فمینیست ها طبیعی بودن تفاوت‌های جنسی را می‌پذیرند اما در عین حال عقیده دارند که مفاهیم مربوط به مردانگی و زنانگی، مادری و پدری به‌عنوان «تفاوت‌های جنسیتی» نخست از طریق خانواده و سپس به واسطه تأثیر فرهنگ حاکم و رسانه‌ها فراگرفته می‌شوند. آن‌ها این گونه مفاهیم را «تفاوت‌های جنسیتی» می‌نامند. بنابراین بیشتر فمینیست‌ها چنین نتیجه می‌گیرند که چون مردانگی و زنانگی ساخته عوامل اجتماعی هستند، می‌توان آن‌ها را در مسیر رسیدن به جامعه‌ای عادلانه‌تر، تخریب نیز کرد (همان: ۳۵). به‌طور رادیکال‌تر حتی با وجود تحقیقات علمی در رشته‌های مختلف علمی و تایید ضرورت و جهان شمولی تقسیم کار جنسیتی همچون مادری و پدری، فمینیست‌های صاحب نام با اسطوره خواندن جنسیت و ظهور اجتماعی آن به مناقشه در یافته‌های این تحقیقات پرداخته و آن‌ها را ناشی از تسلط ارزش‌های محیطی و فرهنگی همچون تقسیم کار جنسیتی در خانه به‌ویژه اختصاص نقش مادری به زنان و نقش پدری به مردان به شمار آورده‌اند (Oakley,Woman's Work:The Housewife,Past and Present, 1976,pp 157-158)؛ و اعلان می‌کنند که تفاوت‌ها در این زمینه ربطی به تفاوت‌های طبیعی دو جنس ندارند؛ یعنی شغل‌ها مهر مردانه یا زنانه می‌خورند (آبوت و والاس، جامعه‌شناسی زنان، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

در تقابل با دیدگاه فمینیستی که با نفی تفاوت‌های عمیق زیستی و روانی میان زن و مرد معتقد به خاستگاه اکتسابی و منکر خاستگاه طبیعی برای تمایزات جنسیتی در نقش‌های اجتماعی هستند، دیدگاه‌هایی ارائه شده است که با تأیید این دست از تفاوت‌ها از لحاظ و استناد نوع دیگری از رهیافت جامعه‌شناختی، الگوهای متفاوت نقشی زنانه و مردانه را با جنبه‌های زیست‌شناختی،

(Baron, Byrne,Sociol Psychology,1997, p.186)، روان‌شناختی (رودز، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ۱۳۹۲: ۲۲۱؛ باستانی، جنسیت فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۷: ٤٧)؛ و کارکردهای تفاوت‌های نقشی نزد جامعه‌شناسان پیوند می‌زند (بستان، اسلام و جامعه‌شناسی، ۱۳۸۸: ١٤٣).

بازخوانی این نظرات و دیگر دیدگاه‌های متعدد و گوناگون در زمینه تفاوت‌های جنسیتی نقش‌های اجتماعی و منشأ آنها از یک‌سو و اهمیت و جایگاه قرآن به‌عنوان منبع اصیل معرفتی باعث می‌شود تا این سؤال به ذهن برسد که با وجود تقسیم کار جنسیتی، دیدگاه قرآن کریم درباره خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی نقش‌های اجتماعی چیست؟ نگارنده در تلاش است تا با بررسی آیات قرآن برای سؤال مذکور پاسخ دقیق و درخور بیابد.

۱.پیشینه

موضوع تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی از سوی اندیشمندان اسلامی همچون علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» به‌ویژه در جلدهای دو و چهار؛ شهید مطهری درکتاب «حقوق زن در اسلام»؛ سیدمحمدحسین فضل‌الله در کتاب‌های «دنیا المرأة» و «تأملات اسلامیة حول المرأة» مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب «زن در اسلام» اثر «فریبا علاسوند» است که در آن تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، هویت و نقش‌های جنسیتی، نسبت میان زن و مرد در کنار دیگر موضوعات به بحث گذاشته شده است. در کتاب «اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی»، اثر حسین بستان (نجفی) موضوع جنسیت و تمایزات و تفاوت‌های مبتنی بر آن در نهادهای اجتماعی یعنی خانواده و ... از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش مقالات می توان به آثار علمی ـ پژوهشی ذیل اشاره کرد:

«بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، اثر مسلم محمدی است که در آن برخی خاستگاه‌های جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسی، تمایزات جسمی، جنسی، عاطفی و روانی، گرایش‌های ذهنی متفاوت زنان و مردان مورد طرح و بررسی قرار گرفته و تلاش شده تا به تحلیل خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی در علوم تجربی و روان‌شناختی و متون دینی ازجمله روایات بپردازد. «تحلیل تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه‌های دینی» از سیده معصومه حسنی نیز به بحث تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم به جنبه‌های حقوقی تفاوت‌های جنسیتی پرداخته است.

بنابراین برمبنای جست وجوی انجام شده، «خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن» به‌عنوان یک موضوع خاص بصورت مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است. حتی در فضایی عام‌تر، موضوع خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی، معمولاً ذیل موضوعات زن، جنسیت، خانواده و مانند آن مدنظر قرار گرفته است. همچنین هرگاه نگاه درون دینی منسجم به آن شده است، آیات قرآن به لحاظ کمی و کیفی کمتر مورد بررسی عمیق قرار گرفته است. همچنین با توجه به عمق و گستره وسیع بیانات قرآن، زمینه کار تحقیقی عمیق‌تر و گسترده‌تر وجود دارد. بررسی قرآنی این موضوع به‌عنوان گامی نو در حل بخشی از مسئله رابطه جنسیت و نقش‌های اجتماعی به شمار می‌رود که نگارنده سعی دارد تا به آن دست یابد.

۲.هدف پژوهش

هدف اصلی، کشف و تبیین خاستگاه حقیقی جنسیت با نگاهی به تمایزات زیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زن و مرد به منظور تحلیل رابطه این تمایزات با جنسیت و نقش‌های اجتماعی جنسیتی از دیدگاه قرآن است. مجموع این تلاش در واقع گامی در جهت بیان مبانی نظری رابطه جنسیت و نقش‌های اجتماعی و تحلیل آن و نیز بررسی جایگاه جنسیت در سبک واگذاری نقش‌های اجتماعی بر اساس بیانات و گزاره‌های قرآنی به‌شمار می‌رود.

۳.روش پژوهش

پژوهش حاضر، برمبنای روش استنطاقی پایه‌گذاری شده است که در آن، برای مواجهه عالمانه با قرآن، مسئله پژوهش پس از رویارویی با چالش‌های بسیار و انباشتگی ذهنی از نیازهای فکری و فرهنگی فراوان، نیز گذر از گردنه‌های پرپیچ‌وخم متن پژوهی و تفسیر ترتیبی و ذخیره‌سازی اندوخته‌ها و پدیداری اندیشه‌ها و روی آوردها و خواسته‌های نو، به‌صورت سؤال اصلی و در جهت دریافت پاسخ‌های احتمالی به قرآن عرضه می‌شود. به لحاظ نوع نگاه تحلیلی، پیمایش مسیر پژوهش، با طراحی میدان و قلمرو مفهومی و نظری، جستجو و گردآوری و دسته‌بندی آیات مرتبط با موضوع بر اساس میدان مذکور، بررسی یکایک آیات و کشف معانی و مقاصد آنها در جایگاه خویش و بررسی کلان آیات، جمع‌بندی پایانی و اعلام نظر نهایی قرآن در مورد مسئله پژوهش انجام می‌پذیرد.

تحلیل یافته‌های قرآنی با توجه به دیدگاه‌های مطرح و از طریق ابطال یا تأیید وجود رابطه معنادار میان رفتار زنانه و مردانه با نوع شاکله زیستی و روانی و جامعه‌شناختی زن و مرد در گزاره‌های قرآنی به‌عنوان خاستگاه‌های تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی ممکن است. وجود رابطه مذکور، می‌تواند توجیه‌کننده بسیاری از تمایزات در بعد رفتارهای اجتماعی ازجمله ایفای نقش‌های اجتماعی بر مبنای جنسیت باشد.

ب. مفهوم‌شناسی

۱. نقش اجتماعی

در متداول‌ترین تعریف، نقش را به‌عنوان «اقتضاهای ساختاری معین» یا الزامات بیرونی از قبیل هنجار، انتظار، تابو و مسئولیت به رفتاری که هر کس با توجه به مقام و پایگاه اجتماعی فرد حق دارد از او انتظار داشته باشد تعریف کرده‌اند (توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ۱۳۸٦: ۳۰۲). برخی دیگر، «تعریفِ درونی فرد از موقعیتِ اجتماعی خود» (آبرکرامبی و دیگران، فرهنگ جامعه‌شناسی، ۱۳۷۰: ۳۲٤؛ کوزر و روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ۱۳۸۵: ۲۷۱)؛ و عده‌ای هم «کنش های فردی اعضا برحسب ارتباط‌شان با ساختار اجتماعی»، تعریف کرده‌اند (همان). با توجه به این تعاریف آنچه در این نوشتار از «نقش اجتماعی» مد نظر می‌باشد، این است که «نقش شامل نگرشها و رفتاری است که از سوی جامعه به فردی داده می‌شود و این نگرش‌ها و رفتار منطبق با هنجارها و قواعد نهفته و البته مورد انتظار از فرد نقش‌پذیر در پایگاه یا موقعیت اجتماعی است که فرد آن را اشغال کرده است» (عضدانلو، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ۱۳۸٤: ٦٤٦ و ٦٤٧؛ صداقتی‌فرد، جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم و پیشینه)، ۱۳۹۱: ۱٤٤ – ۱٤٥).

۲. جنس

جنس (sex) در لغت به معنای مردی و زنی (دهخدا، ذیل واژه «جنس، جنسی، جنسیت») نر بودن یا ماده بودن است (آریان‌پورکاشانی، فرهنگ پیشرو آریان‌پور، ۱۳۸۰: ٥/ ٤٦۳۹)؛ و هرگاه سخن از تفاوت در جنس زن و مرد در میان باشد، مراد تمایزاتی است که زن و مرد در بعد فیزیولوژیکی و بیولوژیکی با یکدیگر دارند (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۷٤: ۱۷٥؛ گولومبوک و فی‌وش، رشد جنسیت، ۱۳۸۲: ۱۱).

۳. جنسیت

«جنسیت» (gender) در لغت به هم‌جنسی، رجولیت و انوثیت (دهخدا، ذیل واژه جنسیت) و مردی یا زنی (آریان‌پور، فرهنگ پیشرو آریان پور، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۱۸۰)، اشاره دارد. جنسیت در اصطلاح جامعه‌شناسی؛ جنبه‌های اجتماعی روابط میان دو جنس و متفاوت با جنبه‌های زیست‌شناختی جنس است (آوتویت و باتامور، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ۱۳۹۲: ۳۷۰)؛ و به صفات و ویژگی‌های اجتماعی هر جنسی اطلاق می‌گردد (گولومبوک و فی‌وش، رشد جنسیت، ۱۳۸۲: ۱۰ ـ ۱۲) در بیانی عام‌تر، دایره مفهومی اصطلاح جنسیت، علاوه بر تمایزات اجتماعی، ساختاری، فرهنگی و روان‌شناختی زن و مرد (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۸٦: ۱۷٥)؛ و نگاه اجتماعی و ساختاری به روابط میان آن‌ها، شامل «توجه» به تفاوت‌های زیست‌شناختی زن با مرد و نه خود این تفاوت‌ها نیز می‌شود (شادی‌طلب، توسعه و چالش‌های زنان ایران، ۱۳۸۱: ۹۸).

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
محمود صادقی و همکاران

تعاریفی از جنسیت که مطابق با منابع جامعه‌شناختی و نظرات اندیشمندان حوزه مربوطه بیان شد نشان‌دهنده این مطلب است که اصطلاح مذکور از نظرگاه جامعه‌شناسان، به‌عنوان مفهومی کلیدی، به تمایزاتی اشاره دارد که فراتر از دایره تفاوت‌های فیزیولوژیکی و جسمی زن و مرد است. درواقع، جنسیت، زن و مرد را به لحاظ اجتماعی از یکدیگر متمایز می‌نماید. به‌طوری که نقطه‌های اشتراک میان زن و مرد را کنار زده و وجوه تمایز و تفاوت میان آن‌ها را در ساختار، فرهنگ و نهادهای اجتماعی و جنبه‌های اجتماعی روابط میان زن ومرد به نمایش می‌گذارد.

ج. بررسی دیدگاه‌ها

مواجهه عالمانه با قرآن در روش استنطاقی مستلزم به‌کارگیری نظرات و دیدگاه‌هایی است که در مورد خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی مطرح و برخوردار از شواهد علمی و تجربی است. به‌طور کلی سه دیدگاه در این رابطه وجود دارد که به‌طور خلاصه مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد:

۱. خاستگاه زیستی

بر اساس یافته‌های زیست‌شناسی تفاوت‌های عمیق و قابل توجه ژنتیکی میان زن و مرد وجود دارد. ازجمله این که ژنتیک زن و مرد به طور قطع از هم متمایز است. هریک از سلول‌های بدن زن، حاوی کروموزم XX و هریک از سلول‌های بدن مرد، دارای کروموزمXY است. اساس تفاوت بدنی زن و مرد به همین پدیده برمی‌گردد (نرمان، اصول روان‌شناسی، ۱۳۸۱: ۱/ ۱۷۷؛ شهرستانی، کلیات پزشکی، ۱۳۸۷: ۲/ ۷۶۷؛ سعدلو پاریزی، اصول روانشناسی فیزیولوژیک، ۱۳۸٦: ۲۲۸).

به لحاظ ژنتیک، زن و مرد هر دو از ٤٦ عدد یا ۲۳ جفت کروموزوم برخوردارند که به لحاظ خصوصیات نهفته در این تعداد کروموزوم، زن و مرد در ٤٥ عدد آن، که از نوع X هستند با هم مشابهند؛ اما بسیاری از تفاوت‌های آنها تنها به کروموزوم Y بستگی دارد که تنها مردان دارای آن هستند. این کروموزم در جفت بیست و سوم است که از آن‌ها به‌عنوان کروموزوم‌های جنسی یاد می‌شود (سعدلو پاریزی، اصول روانشناسی فیزیولوژیک، ۱۳۸٦؛ گایتون و هال، فیزیولوژی پزشکی، ۱۳٦۸: ۲/ ٤٦۱، ٤٦۷ – ٤٦۸). لقاح اسپرم X مرد با تخمک زن به جنین دختر و لقاح اسپرم Y مرد با تخمک زن به جنین پسر می‌انجامد (گانونگ، کلیات فیزیولوژی پزشکی، ۱۳٦۳: ۲/ ۷٦٦).

همچنین زن و مرد به لحاظ نوع و میزان هورمون‌هایی که در بدن توسط غده‌های مختلف تولید می‌شود نیز با یکدیگر تفاوت دارند. حیات جنسی انسان به طور مستقیم تحت تأثیر نوعی از هورمون‌ها موسوم به هورمون‌های جنسی زنانه با نام‌های استروژن و پروژسترون مترشح از تخمدان‌ها و مردانه با

نام تستوسترون مترشح از بیضه‌ها است. ترشح آن‌ها در هر یک از دو جنس، توانایی‌های خاصی را پدید می‌آورد و گرایش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای را ایجاد می‌کند و به بروز صفات ثانویهٔ جنسی متفاوت و متناسب با جنس خود می‌انجامد (پیره، روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ۱۳۷۰: ۱۰۳ – ۱۰٤).

در همین راستا، نتایج بررسی‌های زیست‌شناختی نشان از این دارد که تفاوت‌های هورمونی زن و مرد موجب تمایز میان زن و مرد در فیزیک بدنی می‌گردد. چنانچه تولید پروتئین بیشتر در اثر تستوسترون (گایتون و هال، فیزیولوژی پزشکی، ۱۳٦۸: ۱۵۰۳/۲ – ۱۵۷۸)؛ و در نتیجه رشد زیادتر ماهیچه‌ها و افزایش توده عضلانی بدن مرد نسبت به زن پس از بلوغ (گایتون و هال، فیزیولوژی پزشکی، ۱۳٦۸: / ۲٦۱، ٤٦۷ – ٤٦۸)؛ و رسوب بیشتر کلسیم در استخوان‌ها در اثر ازدیاد ترشح تستوسترون و افزایش ماده زمینه ای استخوانی و اندازه و استحکام و ضخامت استخوانها و ساماندهی آنها در مرد برای تحمل بارهای سنگین می‌گردد (گایتون و هال، فیزیولوژی پزشکی، ۱۳٦۸: ۱۵۰٤/۲). این فرایند طبیعی زمینه را برای قدرت بدنی و توانایی بیشتر برای انجام کارهای سنگین فراهم می‌کند (سندگل، فیزیولوژی انسانی، ۱۳۷۱: ۱۵۵۱/۳).

حاصل یافته‌ها و دیدگاه‌های فوق، این دیدگاه است که تفاوت‌های جنسیتی از جنبه‌های تعین‌یافته زیست‌شناسی زن و مرد ناشی می‌شوند؛ به این معنا که روحیات، رفتارها و نقش‌های متفاوت آنان ریشه در کروموزوم‌ها، هورمون‌ها و اندام‌های جنسی و کارکردهای تناسلی متفاوت آن‌ها دارد و با توجه به ثابت بودن این جنبه‌های زیست‌شناختی، تفاوت‌های جنسیتی ناشی از آن‌ها نیز ثابت و تغییرناپذیرند.

۲.خاستگاه روان‌شناختی

در نظریات مطرح شده، تفاوت‌های روان‌شناختی در زمینه‌های کلامی و ارتباطی، شناختی، عاطفی و هیجانی و رفتاری میان زن و مرد مورد اشاره قرار گرفته است. براساس برخی دیدگاه‌ها زن و مرد برخوردار از دو فضای متمایز فکری و روانی هستند؛ «...بین رفتار، فکر، احساس و واکنش مردان و زنان هیچ شباهتی وجود ندارد» «زنان نسبت به مردان دلسوزتر و بیشتر طالب امنیت‌اند... و بالعکس، مردان ذاتاً مستقل‌تر، جسورتر و مقتدرند» (گری، راز ناسازگاری‌های مردان مریخی و زنان ونوسی، ۱۳۸۷: ۵۵ – ۵۷)؛ و نیز حس رقابت، مقاومت و سرکشی فزونتری دارند (کلاین برگ، روان شناسی اجتماعی، ۱۳٦۸: ۳۲۹–۳۲٦). همچنین دیدگاه‌های اخیر روان‌پویایی تجارب زن را کاملا تمایز از مرد بیان می‌کند و برای زن در مراقبت از کودکان تعهدات زیستی، روان‌شناختی، اخلاقی و احساسی قایل است و هویت مرد را در تحریک، هیجان، تلاش برای پیشرفت، حادثه‌جویی و فعالیت‌های سیاسی تعریف می‌کند (نوابی‌نژاد، روانشناسی زن، ۱۳۷۹: ۹٤). تحقیقات سروانتز و

کالانان در ۱۹۹۸، کوبلی و همکاران در ۱۹۹۵ و ریز و همکاران در ۱۹۹۳ نشان دادند که در مرحله ظهور هم، دختران، حساسیت‌های عاطفی و هیجانی بیشتری را در مقایسه با پسران در خود به نمایش می‌گذارند (منطقی، زن شرقی، مرد غربی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). مشاهدات نشان می‌دهد که حتی از زمان خردسالی، پسرها پرخاشگرتر از دخترها هستند و در سنین بالا نیز مردها از زنها پرخاشگرترند (گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، ۱۳۸۲: ۲۰۲). نوع دوستی، توجه به دیگران، صمیمیت و ارتباط‌های حمایتی، علایق زیباشناسی (زینت)، اجتماعی (معاشرت و تعاون با دیگران) و دینی، از خصوصیات زنهاست که تفاوت آشکاری با مردها دارند (گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، ۱۳۸۲: ۲۰۳ – ۲۰۴). این تمایزات ریشه در وجود زن و مرد دارند و اثر رفتار والدین و اجتماع، تأثیر بعد از وجود است و «آنچنان را آنچنان تر می‌کنند» (همان: ۲۰۵).

علاوه بر این، رشد شخصیت زنان و مردان گرچه در ظاهر، همانند به نظر می‌رسد، ولی در واقع متفاوت است و در مراحل مختلف رشد، دو جنس ویژگی‌های خاص خود را دارند (خدارحیمی و دیگران، روان‌شناسی زنان، ۱۳۷۸: ۱۱۲). به همین دلیل می‌توان این گونه اظهار نظر کرد که صفات مختلف سازندهٔ شخصیت در هر یک از دو جنس زن و مرد متفاوت و متمایز از دیگری است (حسینی، راسخ و نجات، کتاب زن، ۱۳۷۸: ۴۲۳ ـ ۴۴۹). شیوه زندگی مردان و زنان به طور متمایز از یکدیگر متأثر از این ویژگیهاست. زندگی مردانه، صنعتی و آکنده از موانع و مشکلات است و جنبه‌های ارتباطی و عاطفی و ارزشی طرز زندگی زنانه را ترسیم می‌کند (پیره، روان‌شناسی اختلاف زن و مرد، ۱۳۷۰: ۳۰ – ۳۱). حتی بررسی‌های انجام شده، تفاوت‌های زن و مرد در انگیزه‌های کاری از قبیل میزان رقابت، نوع ارتباط و تحرک و... در محیط کار را نیز ردیابی کرده است (تقوی و سیادتیان، تفکیک جنسی در دانشگاه‌ها، ۴۲_۴۹). مردان کلی‌نگرتر از زنان هستند و توان مدیریت بیشتری دارند ... مردها شجاع‌تر از زنان هستند و همه اینها قدرت فکری مرد را نشان می‌دهد؛ ... زنان نیز در برخی ابعاد و احساس‌ها و استعدادها برتری دارند و عواطف پاک و جوشان آنها مکمل عقل و تدبیر مرد است و بالعکس (حسینی، راسخ و نجات، کتاب زن، ۱۳۷۸: ۲۰۱).

۳. خاستگاه جامعه شناختی

یکم. دیدگاه فمینیستی

طبق این دیدگاه، اساساً جنسیت، ساخته و پرداخته اجتماع است که در تبیین آن، دو نظریه عمده وجود دارد. طبق نظریه اول، جنسیت با نگاهی مبتنی بر اجتماعی‌شدن، محصول نوع جامعه‌پذیری خاص افراد است. این آموزش‌های هستند که مرز زنانگی و مردانگی را تقویت و تشدید می‌نمایند. به

همین دلیل جنسیت به‌عنوان خصایص متمایز زن و مرد نه پدیده‌ای طبیعی و خدادادی بلکه چیزی جز کلیشه‌های مصنوعی و تبعیض‌آمیز نیست (میشل، پیکار با تبعیض جنسی، ١٣٥٤: ١٧ – ١٨)؛ و هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد (ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ١٣٨٧: ٤٧٥؛ آبوت و والاس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ١٣٨٧: ٢٨ – ٢٩). طرفداران این نظریه که غالباً فمینیست‌های دو دهه ١٩٦٠ و ١٩٧٠ هستند، معتقدند به دلایلی چند از جمله ساختگی‌بودن جنسیت و تمایزات جنسیتی، اولاً تفاوت‌های میان زن و مرد باید محدود به تفاوت‌های جنسی و فیزیولوژیک شده دوماً با آموزش یکسان برای زن و مرد، این کلیشه‌های جنسیتی که تنها تمایزات تصویری و تعبیری‌اند (میشل، پیکار با تبعیض جنسی، ١٣٥٤: ١٧ و ١٨)؛ از بین زن و مرد برداشته شود. به همین دلیل این جریان از جنبش فمینیست به «فمنیست برابری» شهرت یافت. همچنین با نگاهی مبتنی بر نظریه‌های پدیده‌شناختی، جنسیت حاصل الگوبندی فراگیر دانش پذیرفته شده ما از واقعیت روزانه به وسیله نمونه‌سازی‌های مردانگی و زنانگی و مبتنی بر کنش متقابلی که همه ما برای حفظ این نمونه‌سازی‌ها انجام می‌دهیم، و نیز محصول شیوه‌هایی است که این کار دسته جمعی از طریق آن‌ها عرصه‌ها و سیماهای روان‌شناختی متفاوت زنان و مردان را به وسیله تعریف تعیین می‌کند (ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ١٣٨٧: ٤٧٣ – ٤٧٢) بر این مبنا، مادری به‌عنوان نماد آشکار تقسیم کار جنسیتی در خانه، اسطوره‌ای پدرسالارانه است (Oakley,Woman's Work:The Housewife,Past and Present, 1976,pp 157-158) و رمز و راز مادری هم چیزی است که از سوی جامعه ساخته شده تا این باور را به وجود آورد که در وهله نخست یک زن به خاطر ترک هرجنبه‌ای از نقش سنتی مادری احساس گناه می‌کند (رودز، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ١٣٩٢: ٢٣٥).

طبق نظریه دوم، جنسیت محصول فرهنگ و ساختار تسلط‌آمیز قدرت در جامعه است که با یک نیت عمومی و قوی ابقاء می‌شود. این ساختار پدرسالاری خوانده می‌شود که در چارچوب آن زنان مورد سوءاستفاده و تحت نظارت، انقیاد و ستم مردان قرار می‌گیرند. به همین مناسبت به نظریه ستم‌گری جنسی مشهور شده است و اکثریت نظریه‌پردازان فمینیست معاصر در واقع متعلق به این نظریه هستند. به اعتقاد بیشتر نظریه‌پردازان ستم‌گری جنسی، تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسی فرآورده‌های پدرسالاری‌اند (ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ١٣٨٧: ٤٨٤).

دوم. دیدگاه کشمکش و تضاد

منشأ تفاوت‌های جنسیتی در اجتماع بهره‌ای است که نظام سرمایه‌داری از آنها می‌برد. به‌طوری که ظهور و تقویت این تمایزات در نقش‌های اجتماعی، موجب ایجاد ثروت و تقویت اقتصاد (گیدنز،

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
محمود صادقی و همکاران

جامعه‌شناسی، ۱۳۸٦: ۱۹٦)؛ و ارتقای سطح زندگی کشورهای صنعتی و کاهش فشارهای سیاسی برای تغییرات انقلابی و حمایت عاطفی زنان در جهت بازسازی و تجدید قوای شوهران، فرزندان بزرگ‌تر و پدران برای یک روز شغلی دیگر از طریق کار خانگی زنان می‌گردد (ر.ک: بستان، نظریه‌های دینی در علوم اجتماعی، ۱۳۹۲: ۱٤۳ – ۱٤٤).

بر همین اساس برخی نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران مکتب ستیز بر این اعتقادند که نظام سرمایه‌داری بر تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی به مثابه یک ایدئولوژی تأکید کرده، آن را ترویج داده و تقویت می‌نمایند که خانواده هسته‌ای به طور طبیعی بنیان می‌گیرد؛ جهان‌شمول است و تقسیم کار طبیعی را مشخص می‌سازد، تقسیم کاری که مرد را تأمین‌کننده امکانات اقتصادی و زن را تیماردار و تأمین‌کننده کار بی‌مزد خانگی می‌داند. طبق این ایدئولوژی، نقش طبیعی زن کارگر، کار خانگی، یعنی همسر و مادر بودن است (ابوت و همکاران، جامعه‌شناسی زنان، ۱۳۷٦: ۲۵۲).

د. خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی از منظر قرآن

در ادامه، نگارنده سعی می‌کند تا با عرضه سؤال این پژوهش در چارچوب و بر اساس سه دیدگاه زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به قرآن، آیات شریفه را درباره توجه به خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی با هدف کشف و بیان دیدگاه قرآن نسبت به خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی مورد استنطاق قرار دهد.

۱. خاستگاه زیستی

قرآن کریم تمایزات زن و مرد را به روش‌های مختلفی مورد توجه قرار داده است. با توجه به آن روش‌ها می‌توان آیات را این گونه دسته بندی کرد:

یکم. قابلیت فیزیولوژیک نقشی

دسته‌ای از آیات قرآن به تمایزات در ساختار و قابلیت‌های فیزیولوژی مبتنی بر آناتومی متفاوت زن و مرد که زمینه طبیعی بروز نقش‌هایی چون مادری و پدری به همراه لوازم هر کدام اشاره دارند ﴿وَ الْوالِداتُ یرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَینِ کامِلَینِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یتِمَّ الرَّضاعَةَ..﴾؛ (بقره/۲۳۳) ﴿...حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً...﴾ (احقاف/۱۵).

در این دو آیه، بارداری، زایمان و شیردهی به‌عنوان بخشی از فرایند طبیعی در زندگی زن در نقش مادری مورد اشاره قرار گرفته است. بر این اساس، ایفای نقش مادری، در درجه اول نیازمند جهاز

مربوط به گذراندن فرایند بارداری، زایمان و شیردهی است که خداوند در زن قرار داده (سیدقطب، فی ظلال القرآن، ١٤٢٥: ٦ / ٣٢٦٢)؛ و یکی از وجوه آشکار تمایز زن از مرد در بعد آناتومی و نیز یکی از ریشه‌های تمایز در ایفای نقش‌های جنسیتی چه در خانواده و چه در اجتماع محسوب می‌شود (طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠ ق: ٤/ ٢١٥).

همچنین براساس جمله ﴿... **بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ** ...﴾ در آیه ٣٤ سوره نساء تمایز نقش در بعد قوامیت مردان بر زنان، با قابلیت‌های بدنی خاص مردان نسبت به زنان و در مقایسه با آنان پیوند خورده است (طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠: ٤/ ٣٤٣؛ طبرسی، مجمع البیان، ١٣٧٢: ٣/ ٦٩؛ زمخشری، الکشاف، ١٤٠٧ق: ١/ ٥٠٥؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ٣/ ١٨٩).

دوم. قابلیت جنسی حکمی

قرآن کریم گاهی ضمن بیان حکمی شرعی، تلویحاً به تمایز آناتومیکی زن و مرد به‌عنوان مبنایی برای تمایزات نقشی اشاره می‌کند. تشبیه زن (همسر) به حرث از این جمله است: ﴿**نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ** ...﴾ (بقره/٢٢٣) بررسی دیدگاه‌های تفسیری مؤید این ادعا است به‌طوری که اگر مراد از حرث در آیه، تشبیه زنان به زراعت و کشت (اسم مصدر) (طبرسی، مجمع البیان، ١٣٧٢: ٢/ ٥٦٤؛ طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠ ق: ٢/٢١٢)؛ و یا مزرعه، کِشتگاه و زمین کشاورزی باشد (طبرسی، مجمع البیان، ١٣٧٢: ٢/ ٥٦٤؛ طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠ ق: ٢ / ٢١٢؛ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ١٣٧١: ٢/ ١٤١؛ فخررازی، التفسیر الکبیر، ١٤٢٠ ق: ٦/ ٤٢١)؛ این واقعیت مورد تأیید خواهد بود که قرآن کریم از رهگذر بیان حکمی شرعی یعنی لزوم آمیزش حلال (طبرسی، مجمع البیان، ١٣٧٢: ٥٦٤/٢؛ طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠ ق: ٢/٢١٢)؛ تمایزات جنسی ـ بیولوژیکی و جنسی ـ آناتومیکی زن و مرد را به‌عنوان مبنایی برای نقش‌های جنسیتی مورد اشاره قرار داده است. در واقع کاربرد تعبیر «حرث» برای زنان، به قابلیت‌های خاص زن در تولید مثل اشاره می‌کند به این صورت که یا نتیجه تمایزات جنسی بصورت محصول (تولید مثل) در زن (شکل گیری جنین و طی مراحل رشد (مؤمنون/١٤-١٢) و تولد و شیردهی آن (بقره/٢٣٣)) قابل مشاهده است یا هم چون زمین حاصل خیز با پذیرش و پرورش بذر (جهاز تناسلی خاص زن که پذیرنده اسپرم مرد و ترکیب آن با تخمک زن و تشکیل (انسان/٢) و استقرار «نطفه امشاج» یا «سلول زیگوت»[1] (بی‌آزارشیرازی، جنین‌شناسی قرآن و مسلمان شدن چندین پروفسور جنین‌شناسی، ١٣٨٧: ٦٦)؛ در رحم زن (مؤمنون/١٣، مرسلات/٢١)، مکمل و مثمر توانایی مرد در این باره است.

1. Zygote.

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
محمود صادقی و همکاران

۲. خاستگاه روان‌شناختی

قرآن کریم در برخی آیات از طریق تعلیل حکم، از نوعی تمایز تفضیلی مرد از زن پرده بر می‌دارد: ﴿الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ...﴾ (نساء/۳٤) براساس این آیه، یکی از عوامل قوامیت مردان بر زنان، «فضل» مرد نسبت به زن است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/ ٦۹؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰ ق: ۱۰/ ۷۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ٤/ ۳٤۳) تفسیر «تفضیلِ» نوع مردان بر نوع زنان به جنبه‌های ذاتی از جمله تعقل و استواری تعقل و تصمیم‌گیری، بیشترین طرفدار را در میان مفسرین دارد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ٤/ ۳٤۳؛ زمخشری، الکشاف، ۱٤۰۷: ۱/ ۵۰۵؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰ ق: ۱۰/ ۷۰؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱٤۱۵ ق: ۱/ ٤٤۸؛ حقی برسوی، تفسیر روح البیان، بی تا: ۲/ ۲۰۱؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن والسنه، ۱٤۳۲ ق: ۷/ ۳٦؛ سبزواری، الجدید فی تفسیرالقرآن المجید، ۱٤۰٦ ق: ۲/ ۲۸۵).

همچنین در مورد آیه شریفه ﴿أَوَ مَنْ يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَ هُوَ فِي الْخِصامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ (آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (زخرف/۱۸) مفسران بر این باورند که بر ذاتی بودن علاقه زن به زینت آلات دلالت می‌کند و این خصیصه از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می‌گیرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۱/ ۲۸؛ هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸٦: ۱۷/ ۲۷؛ قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۸/ ٤٤۲)؛ یعنی زن بالطبع دارای عاطفه و شفقت بیشتر و تعقل ضعیف‌تری از مرد است، و به عکس مرد بالطبع دارای عواطف کمتری و تعقل بیشتری است و از روشن‌ترین مظاهر قوت عاطفه زن علاقه شدیدی است که به زینت و زیور دارد، و نیز به‌عنوان ویژگی روانی دیگر که آیه به آن اشاره می‌کند در تقریر حجت و دلیل که اساسش قوه عاقله است ضعیف است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۹۰/۱۸؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰: ۲۷ /٦۲٤؛ مراغی، تفسیر المراغی، بی‌تا: ۲۵/ ۷۸).

بحث تمایز روحی روانی زن و مرد به همین صورت در آیات دیگر قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به‌طور مشخص می‌توان به این بخش از آیه ۲۲۸ سوره بقره که می‌فرماید: ﴿...وَ لِلرِّجالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...﴾ اشاره کرد. کلمه «درجة» به معنای برتری در جایگاه است (ابن‌منظور، لسان الغیب، ۱٤۱٤ ق: ۲/ ۲٦٦). تعبیر آیه تنبیهی است نسبت به برتری مردان بر زنان در برخی ویژگی‌ها (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۳٦۲: ۳۱۰). در این جا نیز بسیاری از مفسرین علاوه بر بعد جسمی آن را به برتری مرد نسبت به زن در قدرت تعقل و تدبیر تفسیر کرده‌اند و معتقدند همین تفاوت موجب تمایز در اختصاص

و ایفای نقش‌های اجتماعی متناسب با این توانایی‌ها به مرد شده است (زمخشری، الکشاف، ١٤٠٧ ق: ١/ ٥٠٥؛ قمی مشهدی، تفسیر الکنزالدقائق، ١٣٦٨ ق: ٣/ ٣٩٦؛ مغنیه، التفسیرالکشاف، ١٤٢٤ ق: ٢/ ٣١٥؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠ ق: ١٠/ ٧٠ و ٧١ و ٦/ ٤٤١؛ قرشی‌بنابی، احسن الحدیث، ١٣٧٥: ٢/ ٣٥٥؛ طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠: ٤/ ٣٤؛ زحیلی، التفسیرالمنیز، ١٤١١ ق: ٥/ ٥٤؛ سبزواری، الجدید فی تفسیرالقرآن المجید، ١٤٠٦ ق: ٢/ ٢٨٥؛ حوی، الاساس التفسیر، ١٤٢٤ ق: ٢/ ١٠٥٣؛ بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرار التاویل، ١٤١٨ ق: ٢/ ٧٢؛ ابن‌کثیر، تفسیرالقرآن الکریم، ١٤١٩ ق: ١/ ٤٥٩).

با افزودن فراز ابتدایی آیه ٣٤ سوره نساء و مفاد ادبی و تفسیری آن به بحث، منظومه معنایی و محتوایی برای تحلیل و ورود به لایه‌های عمیق‌تر معنایی آیه شریفه تکمیل می‌شود و پژوهش را به حل مسئله خاستگاه تمایزات جنسیتی از نگاه قرآن نزدیک می‌کند. در ابتدای آیه شریفه مورد بحث، کلمه «قوّامون» با «علی» به کار رفته است. کاربرد ماده «ق و م» با «علی» در این آیه به معنای سرپرستی و عهده دار بودن امور است (جزایری و دهقان، «ماهیت قوامیت»، ١٣٩٢: ١٤ – ١٥) و معنای حمایت و رسیدگی کلمه «قوام» به لحاظ هیأت صیغه مبالغه است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ١٣٦٨ ق: ٩/ ٣٤٤). واژه قوام را با توجه به هیات آن می‌توان به دو وجه معنا کرد:

وجه اول: با عنایت به این که صیغه مبالغه دلالت بر «تکرار فعل» و یا «کثرت وجود وصفی در ذات» دارد، فقط ماده‌ای را می‌توان به صیغه مبالغه برد که کثرت و تکرار در معنای آن راه داشته باشد (سیوطی، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع، ١٤١٨ ق: ٥٩/٣)؛ و با توجه به بی‌معنا بودن تکرار و فراوانی در معنای سرپرستی، متعلقات سرپرستی مانند توانایی، محدوده و یا تداوم سرپرستی در افراد مختلف در کاربرد «قوام» در هیأت صیغه مبالغه مورد نظر خواهد بود (جزایری و دهقان، «ماهیت قوامیت»، ١٣٩٢: ١٤ – ١٥).

وجه دوم، نه تکرار فعل یا کثرت وصف در امور حدوثی بلکه «کمال وصفی در ذات» در امور ثبوتی (حالت درونی) مراد خواهد بود(همان)؛ مانند صبّار (بسیار شکیبا) یا حنّان (بسیار مهربان) که ماده آن «دلالت بر امری ثبوتی» (حالتی درونی) دارد. کسی که در مقایسه با دیگران در موقعیت‌های بسیاری از خود صبر نشان می‌دهد درجه بالاتری از صبر را در خود نهادینه ساخته است نه این که همان درجه از صبری که در سایر مردم وجود دارد در او بسیار است. همچنین در مورد اسم مبالغه این مانند قطّاع بسیار تیز و برّنده که در مورد شمشیر به کار می‌رود تکرار فعل معنای مناسبی برای مبالغه به نظر نمی‌رسد زیرا مراد از قطّاع شمشیری نیست که بارها قطع کردن با آن صورت گرفته است؛ بلکه مراد این

است که توانایی قطع آن در حد بالایی است به بیان دیگر بسیار تیز است (ابن‌منظور، لسان العرب، ١٤١٤ ق: ٣ /٥١٧). بر این اساس و به همین شکل، مبالغه در واژه «قوّامون» را با عبارت تام‌ترین و کامل‌ترین قیام‌ها معنا و تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ٥ /١٠٨).

براساس هر کدام از این دو وجه معنایی، این مطلب که قوامیت مردان بر زنان چه به لحاظ معنای «کثرت وجود وصفی در ذات» و چه به لحاظ «کمال وصفی در ذات» از حقیقتی مبتنی بر امور ذاتی برخوردار است قابل اثبات می‌باشد. این مدعا با تفسیر تفضیل مردان بر زنان به امور تکوینی و امور تشریعی مبتنی بر آن سازگار است و هر دو برداشت همدیگر را تقویت می‌کنند.

همچنین وجه ارتباط میان تعلیل قرآن کریم نسبت به قوامیت که در فراز بعدی آیه ذکر شده است با تفاوت مردان و زنان در نقش، روشن می‌شود. با توجه به نظر مشهور مفسرین در بیان مراد از تفضیل که به آن اشاره شد، در حقیقت مرکز ثقل تعلیل، توجه به تفاوت‌ها و تمایزات و امتیازات مرد و زن نسبت به یکدیگر جهت ایفای بهینه نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است که مبتنی بر فزونی یکسری ویژگی‌های تکوینی و ذاتی در مردان نسبت به زنان است. طبق بیان مفسران، منظور، زیادت در نیروی تعقل و تحمل سختی‌ها بر خلاف عطوفت و احساسی‌بودن زن (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ٢١٥/٤)، تفاوت‌های مصلحتی تکوینی میان زن و مرد (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ٣٦٩/٣)، علم، عقل حسن رأی و اقتدار است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ٣/ ٦٩؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠: ١٠/ ٧٠)؛ که نقطه مشترک میان همه، برتری مرد بر زن در برخی تکوینیات و براساس مصالحی است که انسان برای بنای جامعه مطلوب به آن نیاز دارد و در مجهز شدن به جهازی است که با آن امر حیات دنیوی یعنی معاش بشر بهتر نظام می‌گیرد، و حال مجتمع را به بهترین وجهی اصلاح می‌کند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ٤ / ٢١٧؛ موسوی‌سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ١٤٠٩ ق: ٨/ ١٥٧).

طبق این قاعده که می‌گوید «برخورداری از ویژگی‌های روحی خاص همچون ملاطفت و ظرافت در زن مقتضی کاهش روحیه صلابت و درشتی است و در مرد بالعکس (مصباح‌یزدی، مجموعه مشکات، ۱۳۸۸: ۲۱۸)؛ برتری مرد بر زن در صلابت روحی، نشانگر برتری زن بر مرد از لحاظ قدرت احساسات و عواطف و ظرافت طبع است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق: ٤/ ٣٤٣؛ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ٣/ ٣٧٠) برتری زن بر مرد از این جهت، مبنایی برای ایفای آن سری از نقش‌های اجتماعی توسط زن به شمار می‌رود که پایه و اساس آن‌ها لطافت و ظرافت است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ٤/ ٣٤٣؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ١٤٢٥ ق: ٦٥٠/٢). نقش‌هایی که تنها و تنها زنان

توانایی احراز و ایفای آن‌ها را دارند و در صورت عدم تدبیر مذکور، اختلال و بروز بحران در حوزه نقش‌های مزبور حتمی است (جمشیدی و دیگران، جستاری در هستی‌شناسی زن، ۱۳۸۲: ۱۵۳ ـ ۱۵۱). بر این اساس، بروز رفتار زنانه و مردانه علاوه بر این که دارای خاستگاه طبیعی و ذاتی است، از غایت‌مندی و هدف‌گزاری اجتماعی و کارکردهای همسو با آن نیز برخوردار است که در قسمت بعد مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

۳. خاستگاه اجتماعی

با نگاه غایت‌شناختی نسبت به تفاوت‌های جنسیتی و کارکردهای آن می‌توان دیدگاه قرآن نسبت به خاستگاه اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی را به دست آورد. شهید مطهری درباره تفاوت‌های جنسی می‌گوید:

«بدون دخالت دادن اصل غائی نمی‌توان پدیده‌های جهان را تفسیر کرد. دستگاه عظیم خلقت برای اینکه به هدف خود برسد و نوع را حفظ کند، جهاز عظیم تولید نسل را به وجود آورده است؛ دائماً از کارخانه خود هم جنس نر به وجود می‌آورد و هم جنس ماده و در آنجا که بقا و دوام نسل به همکاری و تعاون دو جنس احتیاج دارد، مخصوصاً در نوع انسان، برای اینکه این دو را به کمک یکدیگر در این کار وارد کند، طرح وحدت و اتحاد آنها را ریخته است... و برای اینکه این طرح کاملا عملی شود و جسم و جان آنها را بهتر به هم بپیوندد تفاوت‌های عجیب جسمی و روحی را در میان آنها قرار داده است و همین تفاوت‌هاست که آنها را بیشتر به یکدیگر جذب می‌کند و عاشق و خواهان یکدیگر قرار می‌دهد» (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۸۷: ۲۱۰ – ۲۱۱).

در نگاهی عمیق‌تر و برخلاف دیدگاه غالب فمینیستی و یا حتی مکتب تضاد، این تفاوت‌ها با واقعیات نفس الامریِ هماهنگ با فطرت و هدف خلقت و نه قراردادی و اعتباریِ صرف (بدون پشتوانه طبیعی)، پیوند می‌خورند و تمایزات حقوقی متناظر با نقش‌ها را نیز تبیین می‌نمایند (مصباح‌یزدی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۸: ۱۵/۳). برخی از آیات قرآن کریم، با بیان اهداف اجتماعی از راز تفاوت رفتار زن در زنانگی و رفتار مرد در مردانگی پرده بر می‌دارند. توجه به اهمیت و کاربرد این اهداف در تعالی هر جامعه، رفتار زنانه و مردانه یعنی تمایزات جنسیتی را توجیه می‌نماید. عمده‌ترین و حیاتی‌ترین این اهداف مورد توجه قرآن کریم است که در ادامه مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد.

یکم. عدالت

منظور از عدالت‌مندی در ایفای نقش، توجه به استعدادها، ویژگی و خصوصیات جسمی، روانی و تعقلی هر یک از زن و مرد و بکارگیری آن‌ها جهت ایفای هرچه بهتر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۲۸۵ـ۳۱۴
خاستگاه تفاوت‌های جنسیتی (زنانه و مردانه عمل کردن) نقش‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
محمود صادقی و همکاران

است. با پذیرش تفاوت‌ها و قابلیت‌های طبیعی جسمی و روانی در جنبه‌های عاطفی و عقلانی، انتظارات نقشی از زن و مرد، به‌طور منطقی متناسب با همان تفاوت‌ها و توانایی‌ها شکل خواهد گرفت (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ۲۷۵/۲)؛ بنابراین، تنظیم رفتار و روابط و ایفای نقش به فراخور استعداد هر جنس را نیز می‌توان مشمول این مفهوم دانست. هرچند نادیده انگاری حقوق زن در برخی جوامع و یا بهره‌برداری نظام سرمایه‌داری از تقسیم کار جنسیتی در طول تاریخ نفی نمی‌شود اما انتظار ایفای نقش غیرمتناسب با ویژگی‌های ذاتی و تلاش برای مدفون نمودن یا تخریب استعدادهای زنانه یا مردانه به بهانه برقراری مساوات، ظلم است و فرد و جامعه را از مسیر عدالت منحرف می‌کند. پس خود عدالت اجتماعی خاستگاه تفاوت‌ها را در بعد رفتار زنانه و مردانه و نیز نقش‌های جنسیتی توجیه می‌کند. طبق این دیدگاه هرچند اندیشه برابری‌خواهی در دیدگاه‌های فمینیستی در راستای نیاز عدالت‌خواهی مطرح شده است؛ اما این اندیشه به سبب نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسی طبیعی، در تشخیص مصداق عدالت به خطا رفته؛ زیرا عدالت حقیقی مستلزم توجه کردن به نیازهای فطری زن و مرد به‌ویژه در جنبه‌های عاطفی و جنسی است (بستان، نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

از نگاه قرآن کریم تحقق عدالت اجتماعی، بدون قبول و به رسمیت شناختن تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در زنانگی و مردانگیِ نقشی، امکان‌پذیر نیست. این ادعا را می توان با کنار هم گذاشتن دو دسته از آیات اثبات کرد. دسته اول آیاتی همچون ۳۴ سوره نساء است که همانطور که پیش از این نیز مورد بررسی قرار گرفت به قوامیت مبتنی بر تمایزات خدادادی میان مرد و زن اشاره دارد. از سوی دیگر آیاتی همچون ۲۸۶ سوره بقره که می‌فرماید: ﴿**لا یکلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها**...﴾ نیز بر این موضوع تأکید می‌کنند که اراده تشریعی الهی و هرگونه تکلیفی از جانب خداوند، بر اساس توان مکلف است تا توازن میان تکلیف و توان رعایت شود و از تکلیف بما لایطاق اجتناب گردد. درواقع این همان تعریفی است که از عدالت ارائه می شود.

بنابراین اگر بخواهیم عدالت را اجرا کنیم، بر اساس تفاوت مرد و زن در تکوینیات به‌عنوان یک قانون باید پاره‌ای از وظایف اجتماعی که نیاز بیشتری به اندیشه و مقاومت و تحمل شدائد دارد بر عهده مردان گذارده شود، و وظایفی که عواطف و احساسات بیشتری را می‌طلبد بر عهده زنان، و به همین دلیل مدیریت خانواده بر عهده مرد، و معاونت آن بر عهده زن گذارده شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۷۰/۳:۱۳۷۱۳؛ معرفت، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، ۱٤۲٤: ۱۱۷ ـ ۱۱۹). ظاهراً به همین دلیل جمعی از مفسرین در بیان مراد از متعلق تفضیل در آیه ۳٤ سوره نساء، علاوه بر امور ذاتی و تکوینی، به تفضیل در امور اکتسابی و تشریعی (تمایز در احکام مانند ارث، دیه، قصاص، شهادت و...

مورد اشاره در دیگر آیات قرآن) که در واقع مبنایی برای تمایز در نقش است نیز اشاره کرده‌اند (واحدی، الوجیز فی تفسرالکتاب العزیر، ١٤١٥ ق: ١/ ٢٦٣؛ زمخشری، الکشاف، ١٤٠٧: ١/ ٥٠٥؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠: ٧٠/١٠؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ١٣٦٤: ٥/ ١٦٩؛ اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی ١٣٧٣: ١: ٤٦٩؛ قاسمی، محاسن التاویل، ١٤١٨ ق: ٣/ ٩٦؛ طبرسی، مجمع البیان، ١٤١٢ ق: ٢٥٣/١). همین طور کلمه «درجه» در آیه ٢٢٨ سوره بقره بیانگر تمایز مرد نسبت به زن در احکام است (ابن‌کثیر، تفسیر القرآن، ١٤١٩ ق: ١/ ٤٥٩؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠: ٦/ ٤٤١؛ زحیلی، التفسیرالمنیر فی العقیده والشریعه، ١٤١٤ ق: ٣١٩/٢).

طبیعی است که این تمایز نقش نیز بدون زنانه رفتار کردن زن و مردانه رفتار کردن مرد (به کارگیری قابلیت‌های زنانه و مردانه) واقع نخواهد شد. بنابراین این عدالت اجتماعی است که اقتضاء می‌کند زن، زنانه باشد و مرد، مردانه، نه سلطه و اسطوره‌ای بنام مردسالاری. داخل نمودن تمایزات تکوینی و حتی تشریعی میان زن و مرد هم چون پرداخت مهریه و انفاق و تأمین هزینه‌های زندگی زن توسط مرد «...وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِم...» در تعلیل قوامیت مردان نسبت به زنان از سوی قرآن کریم (طبرسی، مجمع البیان، ١٣٧٢: ٣/ ٦٩؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ١٤٢٠ ق: ١٠/ ٧١؛ طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠ ق: ٤/ ٣٤٣) نشان‌دهنده این مطلب است که حتی قوامیت نیز نه تنها به معنای سلطه ستم‌آلود نیست بلکه در راستای برقراری عدالت اجتماعی مبتنی بر تفاوت‌ها است.

دوم. آرامش و تکامل

در برخی آیات قرآن کریم مانند آیه ٢١ سوره روم از نظام زوجیت و کارکردهای آن صحبت به میان آمده است. به نظر می‌رسد بررسی این آیات با هدف کشف خاستگاه نظام مذکور و کارکردهای آن، می‌تواند پژوهش را در حل بخشی از این مسئله که از نگاه قرآن خاستگاه رفتارهای زنانه و مردانه از کدام نوع است، یاری نماید.

در آیه ٢١ سوره روم می‌فرماید: ﴿وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيها ...﴾. سکونت در این آیه که از آن تعبیر به آرامش شده است (طباطبایی، المیزان، ١٣٩٠: ١٦/ ١٦٦؛ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ١٣٧١: ٣٩٢/١٦؛ مغنیه، التفسیر الکشاف، ١٤٢٤ ق: ٦/ ١٣٦). به‌عنوان یکی از کارکردهای نظام زوجیت، مبتنی بر مکانیسمی است که طبق تعبیر «خَلَقَ لَكُمْ» از سوی خداوند ایجاد شده است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ١٤٠٦: ٢٣/ ١٣٤) برخی از مفسران در این رابطه که محرک این مکانیسم در شکل‌گیری و عملکرد چیست معتقدند احتیاجِ همراه با کاستیِ

همسران نسبت به هم که برخاسته از تفاوت‌های جسمی است در این زمینه مؤثر می‌باشد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱٦٦/۱٦) برخی صاحب‌نظران از تأثیر مستقیم تفاوت‌های جسمی و روانی زن و مرد در ایجاد و دوام نظام زوجیت سخن به میان می‌آورند (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۷۸) مقایسه این دیدگاه با نتایج پژوهش‌های روان‌شناختی درباره تفاوت‌های روانی زن و مرد از هم که به آن اشاره شد، نشان‌دهنده همخوانی در تأیید رفتار زنانه و رفتار مردانه با منشأ و خاستگاه طبیعی و ذاتی است.

سوم. عفت‌مندی

شکی نیست که ایجاد جامعه عفت‌مند از اهداف مهم قرآن است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القران، ۱٤۰٦: ۳۲٤/۲۲، آلوسی، تفسیر روح المعانی، ۱٤۱۵ ق، ۲۷۰/۱۰) لذا دستوراتی را در قالب امر و نهی، جهت بیان ارتباطات کلامی و رفتاری مطلوب به بشر عرضه می‌دارد (احزاب/۳۲ و ۳۳ و ٥٦، نور/۳۰ و ۳۱، اسراء/۳۲) و مجازاتی را برای کجروان جنسی تعیین می‌کند (نور/۲ و ۳، نساء/۱۵ و ۱٦). افزون بر آیات فوق، آیات دیگری نیز وجود دارد که دلالت می‌کند بر این که قرآن برای ترویج عفت‌مندی در سطح اجتماع با طرح دستورالعمل‌های جنسیتی، به تفاوت‌های جنسیتی رسمیت بخشیده است. بنابراین می‌توان عفت‌مندی را جزو خاستگاه اجتماعی تفاوت‌های جنسیتی به شمار آورد. بعلاوه با عبارت «...ذلِک أَزْکی لَهُم...» (نور/۳۰) آثار تکامل‌بخش عفت‌مندی همچون سلامت روحی و آرامش روانیِ اجتماعی، کاهش بزهدیدگی جنسی و سقوط شخصیتی زن، افزایش کیفیت آموزش را نیز می‌توان به خانواده بحث عفت‌مندی در اینجا اضافه کرد (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱٤/ ٤٤۳-٤٤٤)؛ به نمونه‌هایی از این دستورالعمل‌ها اشاره می‌شود:

الف: ایجاد حریم جنسیتی از قبیل حفظ فاصله فیزیکی؛ ﴿**وَ لَمَّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ یسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَینِ تَذُودانِ...**﴾ (قصص/ ۲۳) (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲۵/۱٦، فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱٤۲۰: ٥۸۸/۲٤)؛ پوشش در برابر نگاه نامحرم؛ «... **تَذُودانِ**...» (آلوسی، تفسیر روح المعانی، ۱٤۱۵ ق: ۱۰/ ۲٦۹) و جلوگیری از اختلاط زن و مرد نامحرم (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱٤۰٦: ۲۳/ ۱۳٤).

ب: اجتناب از روابط غیرضروری: ﴿**قالَ ما خَطْبُکما قالَتا لا نَسْقِی حَتَّی یصْدِرَ الرِّعاءُ وَ أَبُونا شَیخٌ کبِیرٌ**﴾ (قصص/۲۳) ﴿**فَجاءَتْهُ إِحْداهُما...**﴾ (قصص/۲۵) (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن، : ۲۲/ ۳۲۵؛ ر.ک: قرائتی، تفسیرنور، ۱۳۸۸: ۳۷/۷).

ج: کنترل و بهداشت روابط ضروری از طریق عفت کامل در رفتار؛ «**فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیاءٍ...**» طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۶: ۲۶)؛ و محدودسازی نگاه؛ «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِم...**»، ﴿**وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِن...**﴾ (نور/۳۰ و ۳۱؛ مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ۱۳۷۱: ۱۴/۴۳۶-۴۳۸)؛ و پوشش کامل اسلامی «...**وَ لا یبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیوبِهِنَّ...**» (همان: ۱۴/ ۴۳۹ و ۴۴۰).

همسو و هماهنگ بودن این دستورالعمل‌ها با الگوی ایفای نقش‌های اجتماعی مبتنی بر تفاوت‌های جنسی، دسترسی جامعه به عفت و هنجارمندیِ امنیت‌بخش را توسط کاهش اختلاط لجام‌گسیخته جنسی آسان‌تر می‌کند. به‌طوری که از یک سو قرآن کریم نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت‌های اقتصادی در برابر خانواده معاف نموده است («**وَعلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَکِسْوَتُهُنَّ**» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۳۹ و ۲۴۰)؛ و از سوی دیگر اهتمام قرآن کریم به کاهش اختلاط جنسیتی در سطح جامعه و تأکید بر نقش محوری مادری ـ همسری زنان، «**وَ قَرْنَ فِی بُیوتِکنَّ...**» (قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۲۵: ۵/۲۸۵۹، فضل الله، من وحی القرآن: ۱۸/ ۲۹۸) (هرچند در آیه اخیر، مخاطب، زنان پیامبر (هستند اما حکم عام است و تکیه آیه بر ایشان به خاطر تأکید بیشتر است. بنابراین آیه اشاره به حکمی می‌کند که مشترک بین زنان پیامبر و سایر زنان است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱۶ /۳۰۸؛ فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۸/ ۲۹۸؛ مکارم شیرازی، تفسر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۷/ ۲۹۰). زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان عمدتاً به سوی نقش‌های مربوط به خانه‌داری سوق داده شده و مردان نقش‌های بیرون از خانه را به عهده گرفته‌اند.

بنابراین صیانت از حریم خانواده توسط مرد و کاهش حضور ضروری زن در اجتماع در اثر تقسیم نقش‌ها میان آن‌ها بر مبنای جنسیت، از جمله نتایجی است که به جرأت می‌توان آن را در راستای حفظ عفت عمومی به‌عنوان یک اصل قرآنی به شمار آورد. در مقابل، الگوهای رقیب به دلیل نادیده گرفتن این تفاوت‌ها، کارآیی و موفقیت لازم در تحقق بخشیدن به اهدافی مانند سلامت اخلاقی و امنیت جنسی را ندارند. برای مثال، «الگوی تقسیم کار برابر و مشابه که مقبولیت آن در دوران معاصر در حال گسترش است، گرچه امکان دارد برخی آثار مثبت مانند رضایت درونی همسران را به طور مقطعی در پی داشته باشد؛ اما یک روی دیگر سکه، تأثیر منفی آن بر سلامت اخلاقی و امنیت جنسی در جامعه است؛ زیرا نفس حضور گستردهٔ زنان در محیط‌های عمومی که از اختلاط جنسی منفک نیست، بر نگرش‌ها و رفتارهای جنسی مردان و بلکه خود زنان تأثیر منفی می‌گذارد» (بستان، جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۹۰: ۴۰).

نتیجه

در مرحله بررسی و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری از آن‌ها نکاتی قابل ذکر است:

۱. از بررسی آیات قرآن کریم و نظرات تفسیری در تبیین و تفسیر آن نیز می‌توان نتیجه گرفت کـه در یک برتری کمی و کیفی تحلیل‌های تفسیری اولاً علاوه بر تمایزات بیولوژیک، از نگاه قرآن زن و مرد در ابعاد روان‌شناختی و روان‌تنی نیز با یکدیگر تفاوت‌های ذاتی دارند. ثانیاً تعابیر قرآنی و اکثریت قریب به اتفاق دیدگاه‌های تفسیری ذیل آیات مربوطه، با بدیهیات و یافتـه‌هـای دقیـق علمـی و تجـارب پرتکـرار بشری در این رابطـه همخـوانی و تناسـب دارد. ایـن تناسـب در بعـد کارکردهـای فـردی، خـانوادگی و اجتماعی زنانگی و مردانگی (جنسیت) نیز توجیه پذیر است. ثالثاً به طور معنا داری میان این تفاوت‌ها و رفتار زنانه و رفتار مردانه رابطه برقرار است به‌طوری که می‌توان زنانـه رفتـار کـردن زن و مردانـه رفتـار کردن مرد را برخاسته از این تفاوت‌ها به‌شمار آورد.

۲. تمایز در احکام قطعاً تابع مصالح و مفاسدی است که در فقه به‌عنوان یک قـانون و مبنـای کلـی برای احکام به‌طور عام و در این بحث برای تمایز احکام جنسیتی به‌طور خاص از آن یـاد مـی‌شـود. بـه نظر می‌رسد ایفای بهتر نقش‌ها و در نتیجه استحکام خانوادگی و انسجام اجتماعی و پیشگیری از هـدر رفتن قابلیت‌ها و گنجینه‌های ذاتیِ به ودیعه گذاشته شده در نهـاد زن و مـرد را مـی‌تـوان بخشـی از ایـن مصالح به شمار آورد. به‌عنوان نمونه، طبق اطلاعات و بررسی‌های اولیه در این پژوهش، «تفضیل» ذکر شده در آیه ۳٤ سوره نساء یکی از دو جنبه زیرساختی برای قوامیت تکوینی مردان بر زنـان اسـت و ایـن نشان می‌دهد که مراد از تفضیل، جنبه‌های ذاتی و طبیعی است که قرآن آن را به‌عنوان یک دلیـل عـام در استخراج یک قانون کلی در تبیین قوامیت تشریعی مرد بر زن بیان می‌کند.

۳. توجه به تمایزات در مرحله ظهور رفتار مردانه و زنانه برای بهره‌وری قابلیت‌های حقیقی زنانـه و مردانـه، در راستای برقراری عدالت اجتماعی و نه سلطه مرد بر زن را مـی‌تـوان بـه‌عنوان خاسـتگاهی اجتمـاعی بـرای جنسیت و رفتار متناظر با آن به شمار آورد. بنابراین در عین تأیید ظلم بـه زنـان در طـول تـاریخ و نکـوهش آن، واگذاری و ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی به فراخور توانایی‌های اختصاصی جسمی و روحـی روانـی هر یک از زن و مرد را نباید به سلطه و اسطوره‌های پدرسالارانه تعبیر کرد.

٤. بنا برنتایج به دست آمده از این پژوهش، این ادعا که قرآن کریم به تمام جنبـه‌هـای خاسـتگاهی تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌های اجتماعی توجه دارد و می‌توان با بررسی گزاره‌های قرآنی آنها را کشف و بیان کرد ثابت می‌شود. در عین حال که از نگاه قرآن خاستگاه زیستی و روانی این تفاوت‌ها مورد تأیید است، پشتوانه‌ای برای خاستگاه اجتماعی است.

منابع

١. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ١٣٨٨.
٢. آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران؛ فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویان، چاپخش، تهران: ١٣٧٠ ش.
٣. آبوت، پاملا و والاس، کلر، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیزه نجم عراقی، نی، تهران: چ پنجم، ١٣٨٧ ش.
٤. آبوت، پ و والاس، کلر، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی، دنیای مادر، تهران: ١٣٧٦ ش.
٥. آریان‌پورکاشانی، منوچهر؛ فرهنگ پیشرو آریان پور انگلیسی – فارسی، جهان رایانه، تهران: ١٣٨٠ ش.
٦. آسیموف، آیزاک، اسرار مغز آدمی، انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران: ١٣٦٤ ش.
٧. آوتویت، ویلیام و باتامور، تام؛ فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، حسن چاوشیان، نی، تهران: ١٣٩٢ ش.
٨. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، دار الفکر، بیروت: چ سوم، ١٤١٤ ق.
٩. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیة، بیروت: ١٤١٩ ق.
١٠. اشکوری، محمد، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران: ١٣٧٣ ش.
١١. باستانی، سوسن، جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران: ١٣٨٧ ش
١٢. بستان‌نجفی، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چ چهارم ١٣٨٨ ش.
١٣. ـــــ، و دهقان‌نژاد، رضا؛ زن در قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ١٣٩٧.
١٤. ـــــ، نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ١٣٩٢ ش.
١٥. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، جنین‌شناسی قرآن و مسلمان شدن چندین پروفسور جنین‌شناس، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران: چ اول، ١٣٨٧ ش.
١٦. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار إحیاء التراث العربی، بیروت: ١٤١٨ ه.

۱۷. پیره، روژه، روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه محمدحسین سروری، جانزاده، تهران: ۱۳۷۰ ش.
۱۸. تقوی، علی و سیادتیان، سید حسین، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، آری یا نه؟ دفتر نشر معارف، قم: ۱۳۹٤.
۱۹. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت، تهران: چ سیزدهم، ۱۳۸٦ ش.
۲۰. جزایری، سیدحمید، دهقان، مجید، «ماهیت قوامیت»، مطالعات جنسیت و خانواده، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۲۱. جمشیدی، اسدالله و دیگران، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: ستاری در هستی‌شناسی زن، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم: ۱۳۸۲ ش.
۲۲. حسینی، سیدهادی، راسخ، علی‌احمد، نجات، حمید، زیر نظر محمد حکیمی، کتاب زن، امیرکبیر، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲۳. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، دارالفکر، بیروت: بی‌تا.
۲٤. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دار السلام، قاهره: چ ٦، ۱٤۲٤ ق.
۲۵. خدارحیمی، سیامک و دیگران، روانشناسی زنان، انتشارات خاتم، مشهد: ۱۳۷۸ ش.
۲٦. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن، دارالعلم، بیروت: ۱٤۱۲ ق
۲۷. رضا، محمدرشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفة، بیروت: ۱٤۱٤ ه.ق.
۲۸. رودز، استون. ای، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، معصومه محمدی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۲ ش.
۲۹. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران: چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷ ش.
۳۰. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دار الفکر، دمشق: چ ۲، ۱٤۱۱ ق.
۳۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دارالکتاب العربی، بیروت: چ ۳، ۱٤۰۷ ق.
۳۲. سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دار التعارف للمطبوعات، بیروت: ۱٤۰٦ ه.ق.
۳۳. سعدلو پاریزی، فرزاد، اصول روانشناسی فیزیولوژیک، انتشارات دانشگاه اسلامی، یزد: ۱۳۸٦ ش.
۳٤. سندگل، حسین، فیریولوژی انسانی، انتشارات یزد، یزد: ۱۳۷۱ ش.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱٤۱۸ ق.

٣٦. شادی‌طلب، ژاله، توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران: ١٣٨١ ش.
٣٧. شهرستانی، محمدرضا، کلیات پزشکی، بیهق، سبزوار: ١٣٨٧.
٣٨. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، قم: چ ٢، ١٤٠٦ ق.
٣٩. صداقتی‌فرد، مجتبی، جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)، ارسباران، تهران: چ پنجم، ١٣٩١ ش.
٤٠. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت: چ دوم، ١٣٩٠ ق.
٤١. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران: چ سوم، ١٣٧٢ ش.
٤٢. عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، نی، تهران: ١٣٨٤ ش.
٤٣. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر مفاتیح الغیب، دار إحیاء التراث العربی، بیروت: چ ٣، ١٤٢٠ ق.
٤٤. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دار الملاک، بیروت: ١٤١٩ ه.ق.
٤٥. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، مکتبة الصدر، تهران: چ دوم، ١٤١٥ ق.
٤٦. قاسمی، جمال الدین، محاسن التاویل، دارالکتب العلمیة، بیروت: ١٤١٨ ه. ق.
٤٧. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران: چ دوم، ١٣٧٥ ش.
٤٨. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ١٣٦٤ ش.
٤٩. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دار الشروق، بیروت: چ ٣٥، ١٤٢٥ ق.
٥٠. قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ١٣٦٨ ش.
٥١. کارل، الکسیس، انسان موجود ناشناخته، پرویز دبیری، کتابفروشی تأیید، اصفهان: ١٣٤٨ ش.
٥٢. کلاین برگ، اتو، روان شناسی اجتماعی، علی محمد کاردان، نشر اندیشه، تهران: ١٣٦٨ ش.
٥٣. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی خانواده، محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران: چ شانزدهم، ١٣٨٢ ش.
٥٤. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم: ١٣٨٦ ش.
٥٥. گانونگ، ویلیام، کلیات فیزیولوژی پزشکی، فرخ شادان، شرکت سهامی چهر، تهران: ١٣٦٣ ش.
٥٦. گایتون، آرتور و هال، جان، فیزیولوژی پزشکی، ترجمه: گروه فیزیولوژی دانشگاه تبریز، انتشارات ذوقی، تبریز: ١٣٦٨ ش.

۵۷. گری، جان، راز ناسازگاری‌های مردان مریخی و زنان ونوسی، فرهاد صادقی، نشر قطره، تهران: ۱۳۸۷ ش.
۵۸. گنجی، حمزه، روان شناسی تفاوتهای فردی، انتشارات بعثت، تهران: چ یازدهم، ۱۳۸۲ ش.
۵۹. گولومبوک، سوزان، رابین فی‌وش، رشد جنسیت، مهرناز شهرآرای، انتشارات ققنوس، تهران: ۱۳۸۲ ش.
٦٠. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، حسن چاوشیان، نی، تهران: ١٣٨٦.
٦١. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دار الفکر، بیروت: بی‌تا.
٦٢. مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: ١٣٨٨ ش.
٦٣. ـــــ، مجموعه مشکات مصباح، اخلاق اجتماعی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: ١٣٨٨.
٦٤. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ١٣٦٨ ش.
٦٥. مطهّری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ ۴۹، ١٣٨٧ ش.
٦٦. معرفت، محمدهادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، مؤسسة التمهید، قم: چ دوم، ١٤٢٤ ق.
٦٧. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دارالکتاب الإسلامی، قم: ١٤٢٤ ق.
٦٨. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران: چ دهم، ١٣٧١ ش.
٦٩. منطقی، مرتضی، زن شرقی، مرد غربی؛ بررسی تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، بعثت، تهران: ١٣٩٠.
۷۰. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، دفتر سماحه آیت‌الله العظمی السبزواری، بی‌جا: چ دوم، ١٤٠٩ ق.
۷۱. میشل، آندره، پیکار با تبعیض جنسی، محمد جعفر پوینده، نگاه، تهران: ١٣٧٦ ش.
۷۲. نرمان ل. مان، اصول روان‌شناسی، محمود صناعی، امیر کبیر، تهران: چ پانزدهم.
۷۳. نوابی‌نژاد، شکوه، روان‌شناسی زن، جامعه ایرانیان، تهران: ١٣٧٩.
٧٤. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، دار القلم، بیروت: ١٤١٥ ه. ق.
75. Baron,R.A.&D. Byrne,Sociol Psychology,Boston:Allyn and Bacon,1997.
76. Oakley,Ann,Woman's Work:The Housewife,Past and Present, 1976.
77. Tong, Rosemarie,Femenist Thought, London:Routledge, 1997.

References

1. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa Publishing House, Qom: 2nd Edition, 2009.
2. Abbott, P. and Wallace, Claire, An Introduction to the Sociology of Feminist Attitudes, Maryam Khorasani and Hamid Ahmadi, Dunyaye Madar, Tehran: 1997.
3. Abbott, Pamela and Wallace, Claire, Sociology of Women, Translated by Manizeh Najm Iraqi, Ney, Tehran: 5th Edition, 2007.
4. Abercrombie, Nicholas et. el.; Dictionary of Sociology, Translated by Hassan Powan, Chapakhsh, Tehran: 1991.
5. Arianpour Kashani, Manouchehr; Advanced Dictionary of Arianpour English-Farsi, Jahan Rayaneh, Tehran: 2001.
6. Asimov, Isaac, The Secrets of the Human Brain, Publications of the Ministry of Culture and Higher Education, Tehran: 1985.
7. Azodanlou, Hamid, Getting to Know the Basic Concepts of Sociology, Ney, Tehran: 2005.
8. Baron, R.A. & D. Byrne, Social Psychology, Boston: Allyn and Bacon,1997.
9. Bastani, Sosan, Gender, Culture, Values and Attitudes, Culture, Art and Communication Research Institute, Tehran: 2017
10. Beydawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzir wa Asrar al-*Ta'wil*, Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1418 AH.
11. Biazar Shirazi, Abdul Karim, Embryology of the Quran and the Conversion of Several Professors of Embryology to Islam, University of Islamic Religions, Tehran: 1st Edition, 2008.
12. Bostan Najafi, Hossein and Dehqannejad, Reza; Women in the Quran, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2018.
13. Bostan Najafi, Hossein, Islam and Sociology of the Family, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 4th Edition, 2009.
14. Bostan Najafi, Hossein; Religious Theorizing in Social Sciences with Application to Sociology of the Family, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2013.
15. Coen, Bruce, An Introduction to Family Sociology, Mohsin Thalathi, Totia Publishing House, Tehran: 16th Edition, 2003.

16. Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, Al-Tafsir Al-Kabir (al-Mafatih Al-Ghayb), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 3rd Edition, 1420 A.H.
17. Fayz Kashani, Mohsin, Tafsir al-Safi, Maktabah al-Sadr, Tehran: 2nd Edition, 1415 AH.
18. Fazlullah, Muhammad Hussein, Man Wahi al-Quran (The Revelation of Quran), Dar Al-Malak, Beirut: 1419 A.H.
19. Ganji, Hamzeh, Psychology of Individual Differences, Bi'that Publications, Tehran: 11th Edition, 2003.
20. Ganong, William, Generalities of Medical Physiology, Farrukh Shadan, Chehar Joint-Stock Company, Tehran: 2013.
21. Gardner, William, War Against the Family, Masoumeh Muhammadi, Women's Studies and Research Office, Qom: 2007.
22. Giddens, Anthony, Sociology, Hassan Chavoshian, Ney, Tehran: 2007.
23. Golombok, Suzan, Robin Fyush, Gender Development, Mehrnaz Shahrarai, Qoqnoos Publications, Tehran: 2003.
24. Gray, John, The Secret of the Incompatibility of Martian Men and Venusian Women, Farhad Sadqii, Qatreh Publishing House, Tehran: 2008.
25. Guyton, Arthur and Hall, John, Medical Physiology, Translation: Department of Physiology, Tabriz University, Zoqi Publishing House, Tabriz: 1987.
26. Haqqi Barsawi, Ismail bin Mustafa, Tafsir Ruh al-Bayan, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
27. Hawi, Sa'eed, Al-Asas fi al-Tafsir (Foundation of Exegesis), Dar al-Salam, Cairo: 6th Edition, 1424 AH.
28. Hosseini, Seyyedhadi, Rasikh, Ali Ahmad, Nejat, Hamid, Under the Supervision of Muhammad Hakimi, Book of Woman, Amir Kabir, Tehran: 2nd Edition, 2002.
29. Ibn Kathir, Ismail bin Umar, Tafsir al-Quran al-Azim, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1419 A.H.
30. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, Lisan al-Arab, Dar al-Fikr, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH.
31. Iskawari, Muhammad, Tafsir Sharif Lahiji, Dad Publishing House, Tehran: 1994.

32. Jamshidi, Asadullah et. el., Women in Islamic Culture and Thought: A Study in the Ontology of Women, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publishing Center, Qom: 2003.
33. Jazayeri, Seyyed Hamid, Dehqan, Majid, The Mature of Qawwamiyyat (Guardianship), Gender and Family Studies. Autumn and Winter 2013.
34. Karl, Alexis, The Unknown Human being, Parviz Dabiri, Ta'eed Bookstore, Isfahan: 1969.
35. Khodarahimi, Siamak et. el., Psychology of Women, Khatam Publications, Mashhad: 1999.
36. Kleinberg, Otto, Social Psychology, Ali Muhammad Kardan, Andisheh Publishing House, Tehran: 1989.
37. Ma'rifet, Muhammad Hadi, Doubts and responses about the Holy Quran, Al-Tamhid Institute, Qom: 2nd Edition 1424 A.H.
38. Maghniyah, Muhammad Javad, al-Tafsir al-Kashif, Dar al-Kitab al-Islami, Qom: 1424 AH.
39. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir al-Nemouneh (The Ideal Exigesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 10th Edition, 1992.
40. Mantiqi, Murtaza, Eastern woman, Western Man; Examining Psychological Differences between Men and Women, Bi'that, Tehran: 2010.
41. Maraghi, Ahmad Mustafa, Tafsir al-Maraghi, Dar al-Fikr, Beirut: n.d..
42. Michel, Andre, Fight against Sexual Discrimination, Muhammad Ja'far Poyendeh, Negah, Tehran: 1997.
43. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, A Brief Look at Human Rights from the Perspective of Islam, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2009.
44. Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, *Misbah's Miskhat Collection, Social Ethics*, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: 2009.
45. Mousavi Sabzevari, Abdul Ali, Mawahib al-Rahman fi Tafsir al-Quran, Daftar of Grand Ayatullah al-Sabzevari, N.p.: 2nd Edition, 1409 A.H.
46. Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Research on the Holy Quranic Words), Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 1989.
47. Mutahhari, Murtaza, *Women's Rights System in Islam,* Tehran: Sadra, 49th Edition, 2008.
48. Nawabi-Najad, Shokoh, Psychology of Women, Iranian Society, Tehran: 2000.

49. Norman L. Mann, Principles of Psychology, Mahmoud Sana'i, Amir Kabir, Tehran: 15th Edition.
50. Oakley, Ann, *Woman's Work: The Housewife, Past and Present,* 1976.
51. Outhwaite, William and Buttamore, Tom; Dictionary of Social Sciences of the 20th Century, Hassan Chavoshian, Ney, Tehran: 2012.
52. Pire, Roje, The Differential Psychology of Men and Women, Translated by Muhammad Hossein Sarvari, Janzadeh, Tehran: 1991.
53. Qarashi Banabi, Ali-Akbar, Tafsir Ahsan al-Hadith, Bi'that Foundation, Tehran: 2nd Edition, 1996.
54. Qasimi, Jamal al-Din, Mahasan al-Tawil (Merits of Hermeneutics), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1418 AH. A.
55. Qomi Mashhadi, Muhammad, Tafsir Kanz al-Daqaiq aw Bahr al-Gharaib, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 1989.
56. Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Al-*Jame' li Ahkam al*-Quran, Nasir Khosrow, Tehran: 1985.
57. Qutb, Seyyed, Fi Zilal al-Quran (In the Shadows of the Quran), Dar al-Shuruq, Beirut: 35th Edition, 1425 AH.
58. Raghib Isfahani, Hossein Bin Muhammad; Mufradat Alfaz al-Quran (Al-Quran Vocabulary), Dar al-Ilm, Beirut: 1412 A.H.
59. Reza, Muhammad Rashid, Tafsir al-Quran al-Hakim, Known as Tafsir al-Manar, Dar al-Ma'rfah, Beirut: 1414 A.H.
60. Rhodes, Stone. Hey, *Let's Take Gender Differences Seriously*, Masoumeh Muhammadi, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: 2013.
61. Ritzer, George, Sociological theory in the Contemporary Era, Mohsen Thalathi, Scientific Publications, Tehran: 13th Edition, 2008.
62. Sa'dlou Parisi, Farzad, Principles of Physiological Psychology, Islamic University Publications, Yazd: 2007.
63. Sabzevari, Muhammad, Al-Jadid fi Tafsir al-Quran al-Majid, Dar al-Ta'aruf for Press, Beirut: 1406 A.H.

64. Sadaqati Fard, Mujtabi, Sociology (Generalities, Concepts, Backgrou2nd), Arsbaran, Tehran: 5th Edition, 2013.
65. Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan in Tafsir al-Quran by the Quran and Sunnah, Farhang Islami, Qom: 2nd Edition, 1406 AH.
66. Sangol, Hossein, Human Physiology, Yazd Publications, Yazd: 1992.
67. Shaditalab, Zhaleh, Development and Challenges of Iranian Women, Ghatreh Publishing House, Tehran: 2012.
68. Shahrishtani, Muhammad Reza, Medical Generalities, Bayhaq, Sabzevar: 2008.
69. Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, *Hama' al-Hawame' fi Sharh Jam'* al-*Jawame'*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1418 AH.
70. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al*-Bayan fi Tafsir al-Quran, Nasir Khosrow, Tehran: 3rd Edition, 1993.
71. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Al-A'lami Publishing House, Beirut: 2nd Edition, 1390 AH.
72. Taqavi, Ali and Siadatian, Seyyed Hossein, Gender Segregation in Universities, Yes or No?, Ma'arif Publishing House, Qom: 2015.
73. Tawassuli, Ghulam Abbas, Theories of Sociology, SAMT, Tehran: 13th Edition, 2007.
74. Tong, Rosemarie, Feminist Thought, London: Routledge, 1997.
75. Wahidi, Ali bin Ahmad, al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Dar al-Qalam, Beirut: 1415 AH.
76. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-*Ta'wil (Discovering the Reali*ties of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 3rd Edition, 1407 AH.
77. Zuhayli, Wahbah, al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shariah wa al-Manhaj, Dar al-Fikr, Damascus: 2nd Edition, 1411 AH.